تهران میزبان شانزدهمین اجلاس جنبش عدم تعهد

رویای بازگشت به عصر طلایی

مجتبی فتحی

عکس: Getty Images

بازگشت به عصر طلایی یا احیای دوباره جنبش عدم تعهد، خواست و آرزوی نه همه بلکه برخی از کشورهای عضو به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران به عنوان میزبان شانزدهمین دوره سران جنبش عدم تعهد است.

جنبش عدم تعهد سال‌هاست که فعالیت‌ها و نقش‌آفرینی‌هایش در عرصه بین‌الملل تا حدودی تنزل پیدا کرده است. نقش این جنبش هم، آن زمان در عرصه بین‌المللی کمرنگ شد و کاهش یافت که از یک سو پهنه شکل‌گیری آن به حد پایان نزدیک شد و از سوی دیگر با گذشت زمان، این جنبش رهبران بزرگ موسس خود را از دست داد.

از این رو دیگر کشورهای عضو تمایل چندانی برای اینکه باز هم جنبش عدم تعهد را نزدیک به صدر نهادهای بین‌المللی کنند ندارند. بنابراین در این سال‌ها به جز تلاش‌های کشورهایی نظیر ایران، هند، اندونزی و برزیل، عزم جدی برای احیای نقش جنبش دیده نمی‌شد.

پس از پایان یافتن جنگ جهانی دوم و با شروع جنگ سرد، قدرت‌های شرق و غرب برای قدرت‌نمایی هرچه بیشتر و پیروزی در این جنگ درصدد بارگشی سیاسی برآمدند. از این رو، کشورهایی برای تامین امنیت به حوزه قدرت شرق یا غرب وارد شدند.

در نیمه دوم قرن بیستم پیمان‌های نظامی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای میان کشورها بسته شد تا به این وسیله مرزبندی‌های سیاسی نمود عینی پیدا کند در اثنای جبهه‌بندی‌های سیاسی قرن بیستم، کشورهایی که طعم تلخ دو جنگ جهانی را چشیده بودند و از این رهگذر حاضر نداشتند جز نتایج مخرب و ویران‌کننده جنگ، نمی‌خواستند در اردوگاه سوسیالیسم یا امپریالیسم وارد شوند، درصدد بر آمدند از سیاست موازنه منفی پیروی کنند و بر اساس منافع ملی خود با هریک از کشورهای شرق و غرب مراوده داشته باشند.

در همین راستا در سال ۱۹۵۵ میلادی، کنفرانس کشورهای آسیایی و آفریقایی در شهر باندونگ اندونزی برگزار شد که یک اجتماع جهان‌سومی به‌شمار می‌رفت و رهبری کنفرانس بر عهده جواهر لعل نهرو، نخست‌وزیر هند بود که برای نخستین بار کشورهای نوخاسته آسیایی و آفریقایی را گرد هم آورد و این کنفرانس مقدمه‌ای برای شکل‌گیری نهضت عدم تعهد شد که در آن ۲۹ کشور با جمعیتی بالغ بر یک‌میلیارد نفر شرکت کردند.

در طول کنفرانس، دو جبهه متشکل از کشورهای مختلف به وجود آمد که گروه نخست از هند و اندونزی پیروی می‌کرد و طرفدار سیاست استعمارزدایی بود و جبهه دوم از کشورهایی چون پاکستان، ترکیه و عراق تشکیل می‌شد که موضع مخالفت با کمونیسم را در پیش گرفته بود.

سرانجام با کوشش‌های نهرو هر دو جبهه در یک گروه فراگیر علیه استعمار و استثمار از نوع غربی یا شرقی متحد شدند و به این ترتیب، نطفه عدم تعهد در کنفرانس ۱۹۵۵ میلادی در باندونگ اندونزی بسته شد. جواهر لعل نهرو، جمال عبدالناصر و احمد سوکارنو، سران حکومت کشورهای هند، مصر و اندونزی در این اجلاس ایده تشکیل جنبش سازمانی را مطرح کردند.

جنبش غیرمتعهدها در سال ۱۹۶۱ میلادی برابر با ۱۳۴۰ شمسی با حمایت فیدل کاسترو و مارشال تیتو در کنفرانسی که در یوگسلاوی سابق برگزار شد، اعلام موجودیت کرد. این جنبش در اوج جنگ سرد و فضای دو قطبی غرب و شرق با هدف وحدت میان کشورهایی که نه در اردوگاه کمونیسم و نه در اردوگاه کاپیتالیسم قرار داشتند، تشکیل شد.

اعضای این جنبش در قرارداد‌دشان متعهد بودند عضو دو پیمان نظامی اصلی (ناتو و ورشو) و نیز پیمان‌های منطقه‌ای نظامی مانند سنتو و سیتو نباشند و در سیاست خارجی از سیاست عدم تعهد یا سیاست مستقل از دو بلوک شرق و غرب پیروی کنند. پس از شکل‌گیری جنبش، رهبران و بانیان اصلی شکل‌گیری جنبش عدم تعهد کوشیدند تا سنتزی از ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم به وجود آورند تا ضمن حفظ منافع ملی کشورها، آنها را در سرنوشت یکدیگر سهیم کنند.

با این حال از همان ابتدای تشکیل جنبش غیرمتعهدها، وجود درک متفاوت اعضا و بی‌تمایلی اعضای هرچه بیشتر به اصول فلسفی، یافتن یک ایدئولوژی مشترک را ممکن کرده بود. در واقع مفهوم عدم تعهد، در برداشت کشورهای عضو، معناهای مختلفی را داشته و همین امر نیز سبب شد که تعهد به عدم تعهد از ابتدا تاکنون با تردیدهایی مواجه شود. در ادامه نیز با فروپاشی نظام دوقطبی و پایان جنگ سرد و یک قطبی- چندقطبی شدن جهان و تحولات نوینی در عرصه بین‌المللی جنبش عدم تعهد با وضعیت نوینی مواجه شد؛ وضعیتی که این جنبش را دچار بحران هویتی کرد.

بر همین اساس در پنجمین کنفرانس سران در سال ۱۳۵۲ شمسی در الجزیره، کشورهای عضو برای گذار از بحران هویتی مزبور پیدا کرده تغییراتی در شرایط عضویت در جنبش ایجاد کردند. شرایط جدید عضویت در جنبش عدم تعهد به شرح زیر تعیین شد: عدم تعهد به هیچ یک از اتحادیه‌های نظامی، دنبال کردن سیاست مبتنی بر استقلال ملی و ملی، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش، عدم واگذاری پایگاه‌های نظامی، عدم امضای قراردادهای نظامی دو یا سه جانبه، اهداف و اصول استراتژی جنبش عدم تعهد- مرور بندهای دیگری نیز جزو اهداف و اصول جنبش عدم تعهد قرار گرفت: طبق آنچه سید عبدالعلی قوام در کتاب «اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل» آورده اهداف و اصول جنبش عدم تعهد عبارتند از: احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، کاهش تشنجات و تضادهای موجود در روابط بین‌المللی ناشی از تقسیم جهان به دو بلوک شرق و غرب، مخالفت با شرکت در اتحادیه‌های نظامی و خودداری از واگذاری پایگاه‌های نظامی به بلوک‌ها، پشتیبانی از مشور ملل متحد و نیز اصول مسلم حقوق بین‌الملل، خودمختاری تمامی ملل جهان و آزادی تمامی سرزمین‌های تحت استعمار، همکاری مثبت بین‌المللی، مبارزه با توسعه‌نیافتگی اعم از اقتصادی و سیاسی، سیاست نابیوستگی، حل مسالمت‌آمیز اختلافات، مبارزه با نژادپرستی، لزوم خلع سلاح با نظارت بین‌المللی و امضای قرارداد خلع سلاح از سوی قدرت‌های بزرگ.

با این حال ایجاد تعهد برای عدم تعهد در میان کشورهای عضو موضوعی نبود که از طریق ایجاد تغییر در شرایط عضویت کشورها به وجود بیاید چراکه رفتن‌فرته نه تنها برخی کشورهای عضو برخلاف شرایط عضویت جدید به قدرت‌های بزرگ وابسته شدند بلکه حتی برخی از آنها پایگاه‌های نظامی خود را در اختیار کشورهای عضو اتحادیه‌های نظامی قرار دادند که این خود سند دیگری بود دال بر اینکه اساسا تعهدی از بدو تولد با مشکلات ساختاری جدی دست به گریبان بود. اگر این گونه نبود عدم تعهد حداقل با عنوان سازمان اعلام موجودیت می‌کرد نه جنبش تا به این‌وسیله اعضای خود را متعهدتر به پیگیری اهداف عدم تعهد می‌کرد.

در همین حال سرهنگ قذافی، دیکتاتور سابق لیبی دربراه تضعیف موقعیت و جایگاه جنبش عدم تعهد در سال ۱۹۷۳ با نگاهی انتقادی گفته بود: تعداد دولت‌های غیروابسته جهان‌سوم از تعداد انگشتان دست هم تجاوز نمی‌کند.

بر این اساس پس از پایان دوران رهبری مؤسسان جنبش عدم تعهد- که با حضور آنها می‌توبید جنبش عدم تعهد عصر طلایی را پشت سر گذاشته بود و در عرصه بین‌المللی و در میان سازمان‌های جهانی و در رأس سازمان ملل متحد حرف‌های زیادی برای گفتن داشت، رو به افول گذاشت و ستاره اقبال جنبش عدم تعهد در نظام بین‌الملل به دلیل بی‌تمایلی کشورهای عضو برای همگرایی بیشتر به منظور تاثیرگذاری در منازعات و تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی کم‌فروغ شد.

بی‌رغبتی و کم‌اثری جنبش عدم تعهد در برخلاف بسیاری از اتحادیه‌های منطقه‌ای کوچک و کم‌بس‌وسال‌تر که به مراتب اثربخشی بیشتری در منازعات و تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی عینیت یافت بلکه ناتوانی این جنبش در ایجاد مصالحه میان کشورهای عضو جنبش عدم تعهد هم نمود پیدا کرد.

مهم‌ترین نمونه در این رابطه به جنگ ایران و عراق بازمی‌گردد. ایران و عراق هر دو عضو جنبش عدم تعهد بودند و توقع آن می‌رفت که با وقوع جنگ بین این دو کشور، جنبش عدم تعهد مهم‌ترین نقش را برای ترک عادلانه مخاصمه ایفا کند و همت خود را برای رفع درگیری میان دو طرف به‌کار برد. سکوت سنگینی که در این رابطه بر جنبش عدم تعهد حکمفرما شد، در حقیقت اعلام ناکارآمدی و پایان دوران درخشان این جنبش بود.

هرچند جنبش هم برای این سکوت خود توجیهاتی داشت، چنانکه مثلا می‌گفتند عدم سکوت، اهداف جنبش را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد یا اینکه جنبش را به صحنه مناور قدرت‌های بزرگ وارد می‌کند، اما همه اینها بهانه‌ای برای گریز از یک مسوولیت تاریخی بزرگ بود.

آغاز جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران -جنگ هشت دوعضو جنبش عدم‌تعهد- در بیست‌ودوم سپتامبر ۱۹۸۰ (سی‌ویکم شهریور ۱۳۵۹) این جنبش را در وضعیت دشواری قرار داد. عدم انسجام و تجانس سیاسی و ساختاری، سمت‌گیری‌های چندجانبه و گرایش‌های متفاوت و دوراهفتادن جنبش از آرمان‌های رهبران اولیه، اعضای جنبش را از اتخاذ موضع‌گیری شفاف در قبال جنگ ایران و عراق بازداشت؛ با این وجود، جنبش غیرمتعهد از نخستین روزهای آغاز جنگ بنا به درخواست ایران برای «بررسی و موضع‌گیری در خصوص جنگ عراق علیه ایران»، فعالیت‌هایی را جهت خاتمه‌دادن مسالمت‌آمیز به آن شروع کرد. یک کمیته حسن‌نیت مرکب از نمایندگان کشورهای کوبا، یوگسلاوی، الجزایر، زامبیا، هند، پاکستان و سازمان آزادی‌بخش فلسطین تشکیل شد. این کمیته، هیاتی مشتمل بر وزرای خارجه کوبا، هند و یوگسلاوی را به منظور ایجاد تفاهم بین ایران و عراق به دو کشور اعزام کرد. قبل از عزیمت این هیات، رییس وقت شورای‌عالی دفاع جمهوری اسلامی اعلام کرد: «ایران حاضر است هیات حسن‌نیت کشورهای غیرمتعهد را برای آگاهی از وضعیتی که تهاجم عراق در ایران به وجود آورده است، بپذیرد.» هیات حسن‌نیت طی سفری به تهران و بغداد کوشش کرد که یک راه‌حل فوری که مورد قبول طرفین درگیر باشد، دست یابد. در دیدار اعضای هیات از بغداد در دهم اکتبر ۱۹۸۰ (۱۳۵۹/۷/۱۸) صدام‌حسین اعلام کرد: «عراق آماده است تا ۱- آتش‌بس برقرار شود ۲- مذاکره بین طرفین انجام گیرد.» در تهران، رییس‌جمهور وقت ایران ترتیب فوق را به این شرح تغییر داد: «۱- عقب‌نشینی ۲- آتش‌بس ۳- مذاکره» پس از انجام یاری مذاکرات در تهران و بغداد، کمیته مزبور ماموریت یافت با تشکیل جلسه‌ای در سطح وزیران خارجه در بلژراد، پایتخت یوگسلاوی، به موضوع جنگ رسیدگی کند. اما مخالفت عراق با حضور الجزایر در این کمیته، کار آن را دچار اختلال کرد. عراق موفقیت کمیته را مغایر با اهداف خود می‌دید. استدلال می‌کرد که «چون الجزایر یک کشور عربی است، در جنگی که یک کشور عربی دیگر در آن درگیر است، نباید مداخله کند.» این درحالی بود که سازمان آزادی‌بخش فلسطین به عنوان یک سازمان عربی در کمیته حضور بود ولی عراق مخالفتی با آن نداشت. در هر حال مخالفت عراق، مانع از ادامه کار کمیته حسن‌نیت شد. به دنبال این جریان، چند قطعنامه‌ای درباره جنگ صادر کرد و در آن از ایران و عراق درخواست کرد: «از هرگونه تهدید جدید یا توسل به زور در مناسبات‌شان خودداری کنند.» در این قطعنامه همچنین لزوم خاتمه جنگ، «هرودودون تصرف سرزمین دیگران»، «توسل به تهدید یا اعمال زور» و «عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها» مورد تاکید قرار گرفته بود. این قطعنامه به علت نداشتن صراحت لازم در محکومیت متجاوز در ایران، نه‌تنها با استقبال مواجه نشد بلکه نسبت به حسن‌نیت کمیته تردیدهایی به‌وجود آورد.

به‌همین‌جهت، زمانی که کمیته حسن‌نیت در آبان‌ماه ۱۳۵۹ تصمیم گرفت جلسه دیگری در بغداد تشکیل دهد و تلاش جدیدی را برای برقراری آتش‌بس بین ایران و عراق آغاز کند، محمدعلی رجایی- نخست‌وزیر وقت جمهوری اسلامی ایران، در یادداشتی برای تیتو، رهبر یوگسلاوی، تاکید کرد که «دولت ایران هیچ‌گونه طرح آتش‌بس را تا زمانی که نیروهای عراقی از خاک ایران خارج نشوند، نخواهد پذیرفت.» در همان تاریخ، اعضای هیات اعزامی کمیته حسن‌نیت در دیداری با رییس‌جمهور وقت ایران، ضمن مطلع کردن وی از نظریات دولت عراق، هیات اعزامی کمیته حسن‌نیت در پایان گزارش خود، به صراحتی از برای رفع درگیری مدد گرفت و اعلام کرد: «ما همه اینها بهانه‌ای برای گریز از یک مسوولیت تاریخی بزرگ بود.

اگر جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران -جنگ هشت دوعضو جنبش عدم‌تعهد- در سال‌های ابتدایی شکل‌گیری از جایگاه و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بود و حتی قدرت نفوذ کلام و تصمیم‌سازی در عرصه بین‌الملل به‌واسطه اعضای جنبش از مسائل بسیار با و قابل اعتنا بود، اما رفته‌رفته به دلیل همین مشکلات ساختاری که جنبش عدم‌تعهد نشست نتوانست بر روی نخستین، اعتبار خود را از دست داد و نقش موثر این جنبش کم‌کم در تصمیمات بین‌المللی کاهش یافت. از طرفی همزمان با کم‌رنگ شدن جایگاه و اعتبار جنبش عدم‌تعهد، اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همچون اتحادیه عرب، اتحادیه اروپا یا اتحادیه اوپک با شکل گرفت و اوج گرفتن اعتبار جنبش عدم‌تعهد مزید بر علت شدند. کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد از مناطق و قاره‌های مختلف جهان بودند. این درحالی است که کشورها در عرصه بین‌المللی به دنبال منافع ملی و منطقه‌ای هستند که تامین این منافع به وسیله جنبش عدم‌تعهد امکان‌پذیر نبوده و نیست. هر امر نیز در عرصه بین‌المللی به وسیله جنبش عدم‌تعهد امکان‌پذیر نبوده و نیست. بنابراین هرچند جنبش عدم‌تعهد در یکدیگر دور شدند و جایگاه و اعتبار این جنبش را کاهش دهند و بر عکس جایگاه و اعتبار اتحادیه‌های منطقه‌ای که جنبش عدم‌تعهد شکل گرفت و تشکیل شد، اتحادیه اروپا یا اتحادیه افریقا یا اتحادیه عرب که طول عمر کمتری نیز دارند خیلی موفق‌تر از جنبش عدم‌تعهد، با طول عمر بیشتر عمل می‌کنند. بنابراین درواقع‌کاری کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد از یکدیگر، فاصله طبقاتی موجود میان اعضا از نظر اقتصادی که به برخی بسیار کوتهن و برخی بسیار فقیر بودهاند، تمایلات و دیدگاه‌ها و چهان‌بینی متفاوت باعث شده است که جنبش عدم‌تعهد به‌خصوص پس از فروپاشی یوگسلاوی نقش دو قطبی در جهان نتواند به یک نهاد قدرتمند در عرصه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی بین‌المللی نقش‌آفرینی کند. در همین اساس در پاسخ دعوت برگزاری اجلاس سران جنبش عدم‌تعهد نمونه‌ای وجود ندارد که همه کشورهای عضو به دلیل جایگاه و اعتبار این جنبش حضور پیدا کرده باشند.

با این حال با وجود آنکه جنبش عدم‌تعهد جنبه‌ای نقش موثری در عرصه بین‌المللی ندارد، برخی از کشورها بر این موضوع تاکید دارند که رهاکردن این جنبش به مصلحت نیست و حفظ جایگاه آن را باید دنبال کنند تا در دوره‌ای مناسب بتوان از پتانسیل این جنبش بهره‌برداری کرد. هند جمهوری اسلامی ایران هم از تلاش برای احیای جنبش عدم‌تعهد این است که از یک سو به قدرت‌های بزرگ نشان دهد که دیگر نمی‌خواهد در چارچوب قدرت‌های بزرگ برای ایران‌های دیگر و جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی بی‌فایده بوده است و با وجود آن تلاش‌ها تهران می‌تواند علاوه بر آنکه با حدود ۱۱۰ کشور عضو جنبش در ارتباط باشد، میزبانی آن کشورها را نیز برعهده می‌گیرد.

فرصت تاریخی اجلاس شانزدهم

یوسف مولایی
استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه

جنبش عدم تعهد در امتداد مبارزات آزادی‌خواهانه و استقلال‌طلبانه کشورهای درگیر با سیاست‌های استعماری قدرت‌های بزرگ در دهه ۴۰ - ۵۰ میلادی شکل گرفت و جنبش علی کرنن نقد به رهبری «فرانز ممدنی» و تجربه پایداری ملت و دولت مصدق در برابر قدرتها و تهدیدات استعمار الهام‌بخش این جنبش بوده و بنیانگذاری آن اموزگار بزرگی برای خود معرفی کردهاند از ایران و مبارزات و تجربه تاریخی ملت ایران بخشی از سرمایه معنوی این جنبش محسوب می‌شود. جنبش عدم تعهد که بیشتر از ساختار کنفرانس‌های بین‌المللی برخوردار است تا سازمان‌های بین‌المللی در سال ۱۹۶۱ در بلگراد توسط تیتو، جواهر لعل نهرو، جمال عبدالناصر، نکروموه و سوکارنو بنیانگذاری شد. عنوان عدم تعهد نخستین بار توسط نماینده دایم هندوستان در سازمان ملل در ۱۹۵۳ به کار گرفته شد اما نقش و اندیشه اصلی ایجاد چنین جنبشی در سال ۱۹۵۵ در کنفرانس «باندونگ» شکل گرفت و اهداف اصلی آن نیز که عبارت است از استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی که کاملا متاثر از کنفرانس باندونگ است. از این رو جنبش عدم تعهد بیشتر رویکرد سیاسی دارد تا اقتصادی در سال ۱۹۷۱ در اجلاس هلوا ظهیل کاسترو» اهداف جنبش را دفاع از استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی و امنیت کشورهای عضو، مبارزه علیه امپریالیسم و همه اشکال استعمار قدیم، نئاوپرستی، مقابله با خشکسالی و نجات تلاش‌ها تجاوز کشورهای امپریالیستی و عدم مداخله در امور داخلی کشورها، اعلام کرد که این اهداف با اصول سازمان ملل و قطعنامه ۲۵۲۶ مجمع عمومی سازمان ملل کاملا همسویی دارد. جنبش عدم تعهد بیشترین فعالیت و تاثیرگذاری خود را در داخل مجمع عمومی سازمان ملل برای دفاع از حقوق کشورهای جهان سوم به‌کار برده است و در دهه ۷۰ و ۸۰ در تصویب بیشتر قطعنامه‌های سازمان ملل و نظام نظوین اقتصادی جهانی و قطعنامه‌های مربوط به حق تعیین سرنوشت و خلع سلاح کشورها نقش عمدهای ایفا کرده است. اعضای جنبش عدم تعهد جریان دیگری به نام گروه کشورهای ۷۷ را به وجود آوردهاند که بیشتر دیدگاه‌های کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین است. با خروج ملت و قبرس، بلاروس تنها کشور اروپایی عضو جنبش هستند. در سال‌های اخیر جنبش تلاش کرده است تا از طریق کمیته‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگ سطح همکاری بین اعضا را ارتقا دهد. با این وجود عدم برخورداری از ساختار سازمانی توانایی جنبش در ایفای نقش مهم‌تر را بسیار محدود می‌کند. به همین دلیل کارنامه جنبش در ایفای نقش در بحران‌های بین‌المللی و حتی حل و فصل اختلافات بین اعضا زیاد چشمگیر نیست و در اکثر بحران‌های بین‌المللی بین اعضا جنبش شکاف وجود دارد مثل جنگ تحمیلی عراق با بحران سوریه و از طرف دیگر اعضای جنبش در سازمان‌های مختلف منطقه‌ای عضویت داشته و همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای خود را در قدرت آن سازمان‌ها عینیت می‌بخشند. مثل سازمان وحدت آفریقا، سازمان آسیه آن، اوپک، سازمان کشورهای آمریکایی و... با یافتن یافتن جنگ سرد بسیاری از کشورهای عضو جنبش همکاری‌های خود با کشورهای توسعه‌یافته غربی را گسترش داده و به جرگه متحدان آنها در آمدهاند. جنبش عدم تعهد هم به لحاظ ضعف‌های ساختاری و هم ترکیب اعضا و کلی بودن اهداف و اصول و هم به لحاظ بازتندگی جغرافیایی، عملا نتوانسته است از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود به عنوان یک کنشگر تاثیرگذار بین‌المللی بهره ببرد به لحاظ اقتصادی هیچ‌گونه تسهیلات و امتیازاتی بین اعضا به نحوی که آنها را با غیرعضو مزیتدی کند، ایجاد نشده است. بین اقتصادی جنبش از وزن اقتصادی تکتک اعضا فراتر نمی‌رود. یعنی اعضا در مناسبات دوجانبه و چندجانبه مناقع و مناسبات خود را تعریف و سازماندهی می‌کنند و نقش آن به هیچوجه قابل مقایسه با نهادهای اقتصادی همچون بانک جهانی، صندوق بین‌الملل پول یا سازمان تجارت جهانی نیست. اتحادیه اروپا با ۲۷ عضو به مراتب بیشتر بالاهمیتی را در حوزه اقتصاد جهانی ایفا می‌کند هماننند کنفرانس باندونگ، اعضای جنبش عدم تعهد در هر اجلاس بر هویت و حاکمیت مستقل خود تاکید کرده و بر اهمیت و قابلیت خود در مدیریت بهینه و عادلانه جامعه جهانی اصرار می‌ورزند و بـه قدرتمندان جهان پیغام می‌دهند کـه اگر اعضای جنبش عدم تعهد در مدیریت جنبش اجلاس سران تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی، بانک جهانی، ناتو، اتحادیه اروپا جایی ندارند، در مقابل کشورهای قدرتمند عضو در جنبش فراگیری همچون عدم تعهد جهانی جای نداشته و نمی‌توانند از اهمیت و حضور خود را بر این جنبش حاکم کنند از این رو احساس مستقل بودن به عوان یک رژیم مستقل و فرهنگی تمامی حیات اجتماعی جنبش را فراگرفته و تداوم حیات سیاسی آن را ممکن کرده است. انتظار و توقع بیش از ۶۰ سال حضور در صحنه مناسبات بین‌المللی این اعضا را داشت که به سازماندهی و نوسازی مستمر خود پرداخته و خود را با ضرورت و نیازهای جامعه جهانی تطبیق دهد. اما جنبش عدم تعهد به دستاوردهای حداقلی در عموم اعلامیه‌ها و بیانیه‌های کلی بسنده کرده است. این نشان می‌دهد که دغدغه‌ها و نیازهای اعضای جنبش در قالب سازمان‌های تخصصی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همچون سازمان ملل، سازمان تجارت جهانی گروه ۲۰، اتحادیه عرب، آسان، سازمان وحدت آفریقا و غیره معرفی و پیگیری شده است و جنبش عدم تعهد بنا به سرشت ساختاری خود قابلیت ورود به مسایل عینی و اجرایی و مصداقی را ندارد. تبادل نظر و بیان آمال و آرزوها و انتقاد و موضع‌گیری درخصوص سیاست‌های ویرانگر و یکسویه و غیرعادلانه قدرت‌های بزرگ در عرصه‌های مختلف نظامی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حداکثر فرصتی که در اجلاس برای اعضای فراهم می‌شود. این اجلاس فرصتی است برای روشن کاه دانستن چراغ کنفرانس ۱۹۵۵ باندونگ و کنفرانس ۱۹۶۱ بلگراد. همانند کنفرانس باندونگ، اعضای جنبش عدم تعهد در هر اجلاس بر هویت و حاکمیت مستقل خود تاکید کرده و بر اهمیت و قابلیت خود در مدیریت بهینه و عادلانه جامعه جهانی اصرار می‌ورزند و بـه قدرتمندان جهان پیغام می‌دهند کـه اگر اعضای جنبش عدم تعهد در مدیریت جنبش اجلاس سران تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی، بانک جهانی، ناتو، اتحادیه اروپا جایی ندارند، در مقابل کشورهای قدرتمند عضو در جنبش فراگیری همچون عدم تعهد جهانی جای نداشته و نمی‌توانند از اهمیت و حضور خود را بر این جنبش حاکم کنند از این رو احساس مستقل بودن به عوان یک رژیم مستقل و فرهنگی تمامی حیات اجتماعی جنبش را فراگرفته و تداوم حیات سیاسی آن را ممکن کرده است. انتظار و توقع بیش از ۶۰ سال حضور در صحنه مناسبات بین‌المللی این اعضا را داشت که به سازماندهی و نوسازی مستمر خود پرداخته و خود را با ضرورت و نیازهای جامعه جهانی تطبیق دهد. اما جنبش عدم تعهد به دستاوردهای حداقلی در عموم اعلامیه‌ها و بیانیه‌های کلی بسنده کرده است. این نشان می‌دهد که دغدغه‌ها و نیازهای اعضای جنبش در قالب سازمان‌های تخصصی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

هدف؛ احیای «جنبش»

علی بیگدلی
استاد روابط بین‌الملل دانشگاه

اگرچه جنبش عدم‌تعهد با فروپاشی نظام دوقطبی، کارآمدی و اهمیت خود را از دست داد اما این هم دلایل برای کاهش ارزش و اعتبار این جنبش است. جنبش عدم‌تعهد حدود شش سال پس از پایه‌گذاری سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و تقریبا همزمان با تشکیل پیمان ورشو تاسیس شد. پیمان نظامی «ناتو» که در پاس آن امریکا قرار داشت هدفش مقابله با هر نوع تهدید علیه آمریکا و سایر متحدانش بود.

آن زمان شوروی که در دوران جنگ سرد به همراه آمریکا، نظام دو قطبی در جهان را شکل می‌داد سال‌ها پیش برای اینکه از قافله عقب نماند به همراه متحدانش پیمان ورشو را پایه‌ریزی کرد. این پیمان نظامی با هدف مقابله با هر نوع تهدید علیه شوروی و هفت کشور عضو دیگر پایه‌ریزی شد. در این میان کشورهای زیادی که در اثر جنگ جهانی دوم استقلال خود را از دست داده بودند، در اثر فشار شوروی و آمریکا در اردوگاه کمونیسم و سرمایه‌داری پای نهادند و تلاش شورای حق‌طلبی برای جنبش غیرقابل انکار است. چرا از این، جنبش عدم‌تعهد در همان بدو امر مشکلات ساختاری دیگری را نیز داشت. با وجود آنکه یکی از پیش‌شرط‌های عضویت در جنبش عدم‌تعهد، عدم حضور در پیمان‌های نظامی و عدم میزبانی از پایگاه‌های نظامی کشورهای خارجی بود، کشوری همچون ایران در کاهش اعتبار جنبش عدم‌تعهد مزید بر علت شدند. کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد از مناطق و قاره‌های مختلف جهان بودند. این درحالی است که کشورها در عرصه بین‌المللی به دنبال منافع ملی و منطقه‌ای هستند که تامین این منافع به وسیله جنبش عدم‌تعهد امکان‌پذیر نبوده و نیست. هر امر نیز در عرصه بین‌المللی به وسیله جنبش عدم‌تعهد امکان‌پذیر نبوده و نیست. بنابراین هرچند جنبش عدم‌تعهد در یکدیگر دور شدند و جایگاه و اعتبار این جنبش را کاهش دهند و بر عکس جایگاه و اعتبار اتحادیه‌های منطقه‌ای که جنبش عدم‌تعهد شکل گرفت و تشکیل شد، اتحادیه اروپا یا اتحادیه افریقا یا اتحادیه عرب که طول عمر کمتری نیز دارند خیلی موفق‌تر از جنبش عدم‌تعهد، با طول عمر بیشتر عمل می‌کنند. بنابراین درواقع‌کاری کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد از یکدیگر، فاصله طبقاتی موجود میان اعضا از نظر اقتصادی که به برخی بسیار کوتهن و برخی بسیار فقیر بودهاند، تمایلات و دیدگاه‌ها و جهان‌بینی متفاوت باعث شده است که جنبش عدم‌تعهد به‌خصوص پس از فروپاشی یوگسلاوی نقش دو قطبی در جهان نتواند به یک نهاد قدرتمند در عرصه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی بین‌المللی نقش‌آفرینی کند. در همین اساس در پاسخ دعوت برگزاری اجلاس سران جنبش عدم‌تعهد نمونه‌ای وجود ندارد که همه کشورهای عضو به دلیل جایگاه و اعتبار این جنبش حضور پیدا کرده باشند.

با این حال با وجود آنکه جنبش عدم‌تعهد جنبه‌ای نقش موثری در عرصه بین‌المللی ندارد، برخی از کشورها بر این موضوع تاکید دارند که رهاکردن این جنبش به مصلحت نیست و حفظ جایگاه آن را باید دنبال کنند تا در دوره‌ای مناسب بتوان از پتانسیل این جنبش بهره‌برداری کرد. هند جمهوری اسلامی ایران هم از تلاش برای احیای جنبش عدم‌تعهد این است که از یک سو به قدرت‌های بزرگ نشان دهد که دیگر نمی‌خواهد در چارچوب قدرت‌های بزرگ برای ایران‌های دیگر و جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی بی‌فایده بوده است و با وجود آن تلاش‌ها تهران می‌تواند علاوه بر آنکه با حدود ۱۱۰ کشور عضو جنبش در ارتباط باشد، میزبانی آن کشورها را نیز برعهده می‌گیرد.

جنبش عدم تعهد گزینه نخست مدیریت جهان

حسین شیخ‌الاسلام
قائم‌مقام پیشین وزارت خارجه

جنبش عدم تعهد، پایه‌ریزی شد. نظام بین‌الملل مبتنی بر ساختار دوقطبی بود و کشورهای پایه‌گذار برای آنکه از گسترش این ساختار جلوگیری کنند و اجازه ندهند که درگیری بین دوقطب همه کشورهای جهان را درگیر خود آن شدند که نظام جدید را پایه‌گذاری کردند و تشکیل این جنبش را در دستور کار قرار دادند جنبشی که قرار بود نه به شرق و نه به غرب وابسته باشد. با این حال با فروپاشی نظام دوقطبی در جهان این گمانه‌زنی‌ها مطرح شد و هنوز هم می‌شود که دوره سلطه عدم تعهد هم رو به پایان است و این جنبش با عمل و وظایف در دورهای تاریخی سطوح با حکومت ایران تحت سرپرستی رییس جنبش عدم تعهد، اعلام و تصریح کرد درصورتی‌که ایران حاکمیت عراق را بر سرزمین‌ها و آب‌های ملی آن کشور به رسمیت بشناسد، آماده عقب‌نشینی و آتش‌بس فوری است. رییس‌جمهور وقت ایران، نیز در دیدار با هیات اعزامی در تهران اعلام کرد که بدون عقب‌نشینی اولیه نیروهای عراقی از سرزمین‌های ایران، امکان مذاکره با نمایندگان عراقی وجود ندارد.

پنج ماه پس از شروع جنگ ایران و عراق، اجلاس وزیران خارجه جنبش عدم تعهد در دهلی‌نو در فوریه ۱۹۸۱ (بهمن‌ماه ۱۳۵۹) تشکیل شد. هیاتی از جمهوری اسلامی ایران به سرپرستی بهزاد نبوی، وزیر وقت و مشاور در امور اجرایی، در اجلاس شرکت و سه درخواست و پیشنهاد ایران را در خصوص جنگ مطرح کرد: «۱- با بررسی کامل مساله جنگ و کسب اطلاعات کافی درباره آن، جنبش موضع قطعی خود را در قبال این تجاوز اعلام و متجاوز را محکوم کند و عضویت تجاوزگر را به حالت تعلیق درآورد. ۲- رفع تجاوز و خروج بدون قیدوشرط نیروهای متجاوز باید اساسی‌ترین و اولین شرط آغاز هر تلاشی برای خاتمه جنگ باشد. ۳- دولت ایران قبل از رفع تجاوز و خروج کامل ارتش عراق هیاتی را خواهد پذیرفت که از موضع طرفین درگیر مطلع باشند.»

هیات ایرانی تاکید کرد با توجه به اینکه ایران در خصوص جنگ، هیچ‌گونه درخواستی را از سازمان ملل متحد به عمل نیاورده است، هرگونه تضمینی از طرف جنبش عدم تعهد در این میدان مورد کارایی و استقلال جنبش خواهد بود. اما در مقابل این درخواست، نظر دولت هند به عنوان میزبان و برخی دیگر از اعضای این گمانه‌زنی‌ها مطرح شد و هنوز هم در ماهلاتی با نمایندگان کوبا و زامبیا، آمادگی دولتش را برای هرگونه مذاکره در تمام سطوح با حکومت ایران تحت سرپرستی رییس جنبش عدم تعهد، اعلام و تصریح کرد درصورتی‌که ایران حاکمیت عراق را بر سرزمین‌ها و آب‌های ملی آن کشور به رسمیت بشناسد. اعلام عقب‌نشینی و آتش‌بس فوری است. رییس‌جمهور وقت ایران، نیز در دیدار با هیات اعزامی در تهران اعلام کرد که بدون عقب‌نشینی اولیه نیروهای عراقی از سرزمین‌های ایران، امکان مذاکره با نمایندگان عراقی وجود ندارد.

پنج ماه پس از شروع جنگ ایران و عراق، اجلاس وزیران خارجه جنبش عدم تعهد در دهلی‌نو در فوریه ۱۹۸۱ (بهمن‌ماه ۱۳۵۹) تشکیل شد. هیاتی از جمهوری اسلامی ایران به سرپرستی بهزاد نبوی، وزیر وقت و مشاور در